



- تهران - میدان ۷ تیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک ۱۷ - طبقه ۴
- تلفکس : ۵- ۸۸۳۴۹۶۷۰ ( ۰۲۱ ) - فاکس : ۸۸۳۴۹۶۷۳ ( ۰۲۱ )
- [URL:www.parsnamaddata.com](http://URL:www.parsnamaddata.com)
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail:info@parsnamaddata.com)

## ادامه بخش ششم : چگونه از انتقاد نگران نشویم - فصل ۲۲ : کارهای احمقانه ای انجام داده ام.

قدیم ها عادت داشتم گناه مشکلاتم را به گردن بقیه بیندازم، ولی هرچه پیرتر و عاقل تر شدم، تشخیص دادم که در یک تجزیه و تحلیل نهایی باید خودم را برای اغلب اشتباهاتم سرزنش کنم. بسیاری از مردم، وقتی پیرتر می شوند این موضوع را می فهمند. ناپلئون بناپارت در سنت هلن گفت : **(هیچ کس جز خودم مسئول سقوطم نیست. من بزرگترین دشمن خود و عامل اصلی سرنوشت فاجعه بارم بوده ام.)**

موقعی که از آقای هاول (مدیر صنایع فولاد آمریکا) علت موفقیتش را پرسیدم جواب داد ((سالهاست دفتری تهیه کرده ام که در آن تمام کارهای روزانه ام را می نویسم، خانواده ام هرگز برای شبهای یکشنبه من برنامه ای نمی گذارند، چون می دانند آن زمان را برای بررسی و مرور کارهای هفته گذشته گذاشته ام. بعد از شام، تک و تنها به اتاقم می روم، دفترم را باز می کنم و روی همه مصاحبه ها، بحث ها و ملاقاتهایی که از صبح دوشنبه گذشته پیش آمده اند فکر میکنم و از خودم می پرسم : این بار اشتباهم چه بوده و چه کاری را درست انجام دادم و چگونه می توانم بهتر کار کنم؟ گاهی اوقات این بررسی های هفتگی اندوهگینم می کنند گاهی از خطاهای خودم حیرت می کنم. البته هر چه می گذرد، این خطاها کمتر می شوند. این سیستم تجزیه و تحلیل اعمال خود که سالهاست ادامه دارد از همکاری هایی که تا به حال کرده ام، برایم مفیدتر بوده است.))



- تهران - میدان ۷ تیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک ۱۷ - طبقه ۴
- تلفکس : ۵- ۸۸۳۴۹۶۷۰ ( ۰۲۱ ) - فاکس : ۸۸۳۴۹۶۷۳ ( ۰۲۱ )
- [URL:www.parsnamaddata.com](http://URL:www.parsnamaddata.com)
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail:info@parsnamaddata.com)

احتمالاً اچ، پی، هاول این روش را از بن فرانکلین همه کارهایی اقتباس کرده است. فقط فرانکلین تا شب یکشنبه صبر نمی کرد. او این بررسی جدی اعمال روزانه را هر شب انجام می داد و متوجه شده بود که در وجودش سیزده اشکال عمده دارد. سه تا از آن اشکال ها این است : اتلاف وقت، به موضوع جزئی و پیش پا افتاده پیله کردن، با مردم بحث و مجادله کردن. بن فرانکلین عاقل تشخیص داد که اگر این ضعف ها را برطرف نکند چندان کاری از دستش برنخواهد آمد. بنابراین با هر یک از این نقص ها برای یک هفته مبارزه کرد و از تلاشها روزانه اش برای رفع آن، گزارش هفتگی تهیه کرد. هفته بعد به سراغ عادت بر بعدی می رفت. فرانکلین این شیوه مبارزه با عیب هایش را برای مدتی بیش از ده سال ادامه داد.

آدم ضعیف با کمترین انتقاد از کوره در می رود، ولی انسان عاقل از کسانی که از او انتقادی می کنند (سر راهش قرار می گیرند.) چیز یاد می گیرد. والت ویتمن در این باره می گوید (آیا شما فقط از کسانی که تحسین تان کرده اند، با شما مهربان بوده اند و در کنار شما ایستاده اند چیز یاد می گیرید و آیا از کسانی که شما را پس زده اند و مقابلتان ایستاده اند و با شما بحث کرده اند چیز یاد نگرفته اید؟

به جای اینکه منتظر بمائیم تا دشمنانمان از ما انتقاد کنند، بهتر است آنها را به این کار تشویق کنیم. بیایید خودمان جدی ترین منتقد خود باشیم.

بیایید قبل از آن که دشمنانمان فرصتی پیدا کنند که حتی یک کلمه درباره عیب های ما حرف بزنند، خودمان آنها را پیدا و درمان کنیم. این درست همان کاری است که چارلز داروین



- تهران - میدان ۷ تیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک ۱۷ - طبقه ۴
- تلفکس : ۵- ۸۸۳۴۹۶۷۰ ( ۰۲۱ ) - فاکس : ۸۸۳۴۹۶۷۳ ( ۰۲۱ )
- [URL:www.parsnamaddata.com](http://URL:www.parsnamaddata.com)
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail : info@parsnamaddata.com)

می کرد. در واقع او پانزده سال تمام وقتش را صرف نقد از خود کرد. داستان از این قرار است : وقتی که داروین دستنویس کتاب جاودانه اش اصل انواع را تمام کرد، متوجه شد چاپ این نظریه انقلابی درباره اصل خلقت جهان علم و اندیشه را به شدت تکان خواهد داد، بنابراین خودش منتقد کارهای خودش شده و پانزده سال دیگر را صرف بررسی مجدد اطلاعات، استدلال ها و نقد نتایج حاصله کرد.

چارلز لاک من، رئیس کمپانی پشودنت سالی یک میلیون دلار خرج می کند تا باب هوپ کمپین معروف در صحنه بماند، زیرا او ید طولانی در خرده گیری و انتقاد همراه با طنز دارد. لاک من هیچ وقت نامه هایی را که در آنها از او تعریف کرده اند نمی خواند، بلکه اصرار دارد فقط نامه های انتقاد آمیز را بخواند، چون می داند که اگر قرار است چیز یاد بگیرد از آنها یاد میگیرد.

یک فروشنده صابون را میشناسم که عادت داشت از دیگران خواهش کند انتقادهای کار او را بگویند، وقتی برای اولین بار صابون های شرکت کلگیت را فروخت، احساس کرد سفارش کمی دریافت می کند و سخت نگران شد که نکند کارش را از دست بدهد. از آنجا که می دانست کیفیت و کمیت صابون هیچ اشکالی ندارد. فهمید که حتما مشکل از خود اوست.

بنابراین هر وقت موفق نمیشد صابون بفروشد نزد خریدار باز می گشت و از او می خواست بگوید کجای کارش ایراد داشته است؟ آیا بی تفاوت بوده است؟ آیا اشتیاق کافی نداشته است؟ گاهی اوقات مشتری می گفت : (من نیامده ام به شما صابون بفروشم . آمده ام انتقادات شما را بشنوم و از شما راهنمایی بخواهم. لطف می کنید بگوئید موقعی که به شما



- تهران - میدان ۷ تیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک ۱۷ - طبقه ۴
- تلفکس : ۵- ۸۸۳۴۹۶۷۰ ( ۰۲۱ ) - فاکس : ۸۸۳۴۹۶۷۳ ( ۰۲۱ )
- [URL:www.parsnamaddata.com](http://URL:www.parsnamaddata.com)
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail : info@parsnamaddata.com)

صابون می فروختم، کجای کارم عیب داشت؟ شما از من بسیار با تجربه تر و موفق تر هستید. لطفا انتقادات خود را بگوئید. رک و صریح حرف بزنید و ابا ملاحظه نکنید.

عاقبت کار او به کجا کشید؟ امروز او مدیر کمپانی کلگیت - پالمو لیو - بیت یعنی بزرگترین شرکت سازنده صابون است. نام این مرد ای . اچ . لیتل است. برای اجتناب از نگرانی ناشی از انتقاد به قانون ۳ عمل کنید.

از کارهای احمقانه ای که انجام میدهم فهرستی تهیه و خودمان را نقد کنیم. چون نمی توانیم انتظار داشته باشیم که آدم کاملی باشیم، کاری را بکنیم که ای . اچ . لیتل کرد، از دیگران بخواهیم بی غرض و به شکل سازنده از ما انتقاد کنند.